



رابطه صنعت و دانشگاه

نویسنده: آرش حبیبی

۱- مقدمه

رابطه صنعت و دانشگاه اشاره به سازوکارهایی نظام‌مند دارد که ارتباط میان عرصه علمی و آکادمیک را با عرصه عملی و صنایع را تسهیل و تقویت می‌نماید. دانشگاه‌ها باید استعداد‌های جامعه را با رویکردی کاربردی، آموزش و پرورش داده و در اختیار صنایع قرار دهند. به دیگر سخن شیوه آموزش دانشگاهی باید متناسب با نیازهای بازار کار باشد.

دنیای امروز، دنیای آموزش و پژوهش و ارتباط آنها با صنعت و جامعه است. پیوند دانشگاه و صنعت، یکی از شناخته‌شده‌ترین راه‌های رسیدن به توسعه اقتصادی و اجتماعی بوده به گونه‌ای که توسعه جوامع سخت به چندوچون پیوند میان این دو نهاد وابسته شده است. به سخن دیگر، دستیابی به توسعه ملی، توجه بوه همبستگی بخش صنعت و دانشگاه‌ها را ایجاب می‌کند. ضرورت همبستگی میان صنعت و دانشگاه، برآمده از نیازهای دوسویه و لزوم سرعت‌بخشی به فرایند توسعه است.

توسعه ارتباط صنعت و دانشگاه به دلیل اثرات و پیامدهای بسیار مثبت آن در ایجاد تحول فناورانه، اقتصادی و اجتماعی از دیرباز مورد توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان دانشگاهی و صنعت قرار داشته و تلاش‌های فراوانی برای ایجاد پیوندی اثربخش بین صنعت و دانشگاه صورت گرفته است. در این مقاله کوشش می‌شود تا به تشریح موضوع رابطه صنعت و دانشگاه پرداخته شود.

۲- اهمیت رابطه صنعت و دانشگاه

در سال‌های اخیر انگیزه دانشگاه‌های مختلف جهت توسعه تمرکز از تحقیق و توسعه محض به سمت توسعه علوم کاربردی و ورود به دنیای کسب و کار افزایش یافته است. بسیاری از دانشگاه‌های بزرگ اقدام به توسعه برنامه‌های انتقال فناوری نموده‌اند که نتیجه آن، توسعه مراکز رشد فناوری و ارتباط نزدیک با پارک‌های فناوری بوده است. پیشرفت این برنامه‌ها موجب شده است تا ارتباط نزدیک‌تری میان دانشگاه‌ها



و صنایع مختلف برقرار شود. بدین ترتیب دانشگاه‌ها می‌توانند نقش فعال‌تری در اقتصاد کشورها ایفا کنند.

اساساً مفهوم [دانشگاه کارآفرین](#) به عنوان نسل سوم از نظام آموزش عالی ریشه در رابطه صنعت و دانشگاه دارد. دانشگاه از یک سو، تأمین‌کننده نیروی انسانی متخصص موردنیاز در سطح عالی بوده و از سوی دیگر، بسیاری از توانایی‌های علمی، تحقیقاتی و آزمایشگاهی در دانشگاه‌ها مستقر می‌باشد. یعنی دو پیش شرط اساسی توسعه صنعتی کشور در دانشگاه‌ها تعریف شده است. از دیگر سو، صنعت نیز به عنوان بازوی اجرایی دانشگاه‌ها در تبدیل دانش به فناوری و توسعه نوآوری و کارآفرینی در نظر گرفته می‌شود.



همکاری و رابطه صنعت و دانشگاه یا به عبارت دیگر ارتباط پژوهشگران دانشگاهی با دانشمندان حوزه صنعتی تجاری سابقه‌ای تاریخی دارد. پژوهش‌ها نشان داده است که دانشگاه‌ها به عنوان مهم‌ترین مشارکت‌کنندگان در مراکز صنعتی دانش محور به سه شکل به دولت، سازمان‌ها، موسسات و صنعت خدمت‌رسانی می‌نمایند:

- تربیت و تولید دانش‌آموختگان در رشته‌های پراهمیت مرتبط با بخش‌های مورد نیاز صنعت
- انجام پروژه‌های پایه و کاربردی
- همکاری با سازمان‌ها، موسسات و صنعت در جهت نوآوری و خلق فن‌آوری‌های جدید



۳- ضرورت ارتباط دانشگاه و صنعت

رابطه صنعت و دانشگاه فرایندی است که در طول زمان شکل می‌گیرد و برگرفته از نیازها و ضرورت‌های ملی در دوره های تاریخی است. این ارتباط موضوعی است که از سال‌های گذشته در جامعه مطرح بوده و اقدامات نظری و عملی فراوانی در این حوزه انجام شده است. دانشگاه و صنعت دو نهاد اصلی جامعه در جهان دانش محور کنونی هستند.

در هزاره سوم ضرورت ارتباط و تعامل بین این دو نهاد بیش از پیش احساس می‌شود. ضرورت ارتباط دانشگاه و صنعت حاصل نیازهای متقابل این دو نهاد و سرعت بخشیدن به فرایند توسعه است. صنعت هم به نیروی انسانی آموزش دیده و متخصص برای مشاغل فنی و مدیریتی و هم به تحقیق و توسعه نیاز دارد. براین اساس، اگر توانمندی‌هایی که در دانشگاه‌ها وجود دارند برای رفع نیازهای جامعه استفاده شوند، گام‌های نخست برای خودکفایی صنعتی با هدف توسعه ملی برداشته می‌شود.

ارتباط و همکاری دانشگاه و صنعت در پیشرفت علمی کشورها اهمیت ویژه ای دارد و مؤلفه مهمی در توسعه دانش کشورها به شمار می‌رود. در بیشتر کشورهای توسعه یافته، می‌توان بالندگی علمی در دانشگاه‌ها را حاصل همکاری نزدیک آن‌ها با صنایع و توسعه صنعتی در فضای رقابتی را ناشی از داشتن ارتباط هدفمند و تقاضامحور صنایع با دانشگاه‌ها دانست. با همکاری دانشگاه و صنعت، پژوهشگران دانشگاهی می‌توانند پس از اینکه دیدگاه‌شان را ارائه کردند و صنعت آن را پذیرفت، منابع مالی لازم برای پژوهش را کسب کنند. شرکت‌ها نیز می‌توانند مهارت‌های لازم را بیاموزند و از آن‌ها برای ارتقا و پیشرفت علمی و نوآوری محصولات خود بهره‌برند.

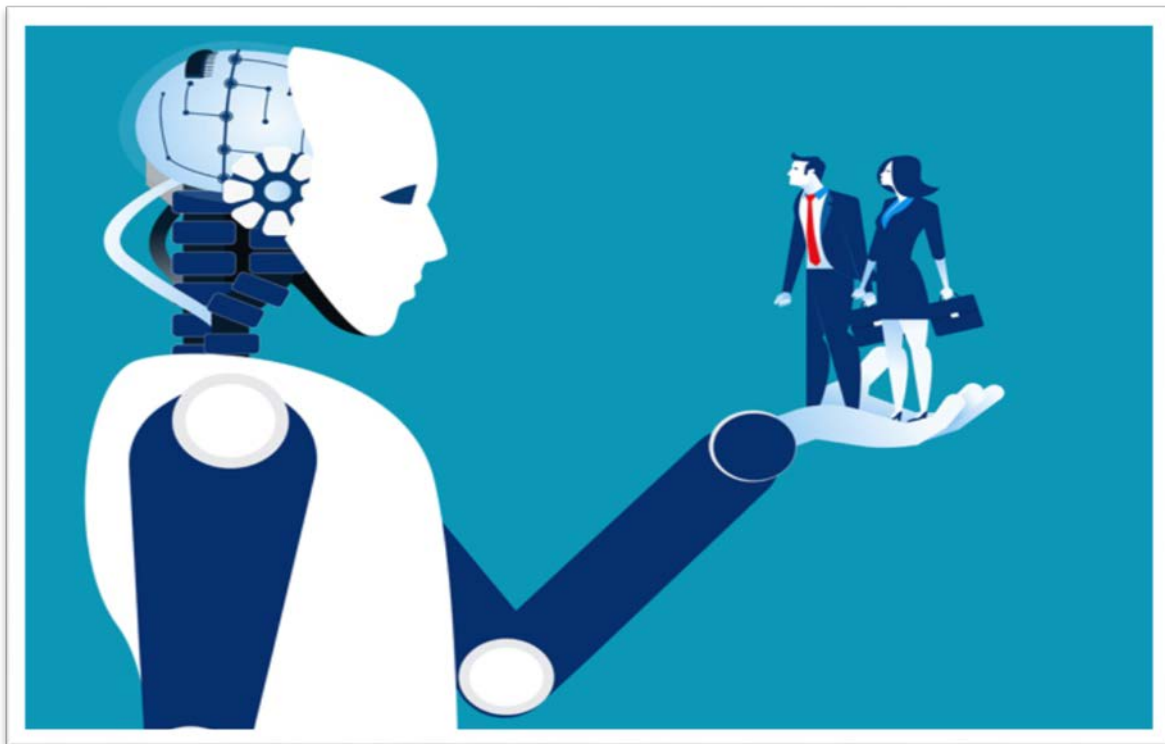
۴- مزایای ارتباط دانشگاه و صنایع

به طور تاریخی، از دیدگاه صنعت، دانشگاه محلی برای آموزش و شناسایی کارمندان آینده می‌باشد. با تحول نظام های اقتصادی جهان، شرکت‌ها و صنایع به همکاری با دانشگاه‌هایی تمایل پیدا کرده اند که با استفاده از دانش و تکنولوژی به انجام پژوهش می‌پردازند. همکاری و ارتباط صنعت و دانشگاه مزایای فراوانی به همراه دارد که در ادامه به بیان برخی از آنها می‌پردازیم:



مزایای اجتماعی

جامعه از پژوهش های دانشگاهی صنعتی با تولید محصولات و تکنولوژی های نوآورانه بهره می برد. تحقیقات دانشگاهی حمایت شده توسط صنعت، اغلب به برنامه های عملی تبدیل می شوند که برای جامعه سودمند هستند.



منافع دانشگاهی

تعامل و ارتباط صنعت و دانشگاه منافع زیادی برای دانشگاه در بر دارد و به همین علت مورد توجه دانشگاه ها قرار گرفته است. هدف بعضی از دانشگاه ها از ارتباط با صنعت، کسب مزایای بالقوه مالی ثبت امتیاز و کسب گواهینامه هایی می باشد که از تجاری شدن دانشگاه حاصل می شوند. بعضی مواقع امتیازات حاصل از تحقیقات حمایتی توسط صنعت، بین شرکت ها و دانشگاه ها به اشتراک گذاشته می شوند. علاوه بر این به وسیله ارتباط صنعت و دانشگاه، اساتید از تجهیزات علمی پیشرفته تری بهره مند می شوند. همچنین فرصت های شغلی فراوانی برای دانشجویان و دانش آموزان دانشگاه فراهم خواهد شد.



منافع برای شرکت های صنعتی

همکاری و ارتباط صنعت و دانشگاه به عنوان یکی از عوامل شتاب دهنده فعالیت های پژوهشی شرکت های صنعتی و باعث توسعه این شرکت ها می شوند. محققان دانشگاهی به دانشمندان صنعتی کمک می کنند تا تحقیقات فعلی که ممکن است برای طراحی و توسعه فرایندهای نوآورانه و محصولات بالقوه سودمند باشد؛ شناسایی کنند.

۵- چالش های ارتباط صنعت و دانشگاه

البته هر دانشگاهی که با مراکز صنعتی همکاری می نماید؛ دچار چالش هایی می گردد. این چالش ها به شرح زیر می باشند:

- شکست در پرورش دانش آموختگان واجد شرایط برای همکاری های صنعتی
- عدم درک درست از ماهیت صنعتی
- نبود دسترسی به منابع کافی
- بی توجهی به دانشگاه ها به عنوان یک مشارکت کننده موثر در اقتصاد
- نبود عزم واقعی دانشگاه ها برای همکاری جدی با صنایع

آسیب شناسی موضوع در کشور ایران بسیار ساده است. سازمان های دولتی بزرگترین نهادهایی هستند که حجم بزرگی از نیروی کار را جذب می کنند. ماهیت نهادهای دولتی به گونه ای است که اهدافی مانند اشتغال، پایبندی به اصول و قوانین و مواردی از این دست با روحیه پژوهش محوری در تعارض و تضاد است. صنایع بزرگ غیردولتی کشور نیز عموماً توسط مالکان (سرمایه داران) اداره می شوند نه مدیران. دیدگاه یک مالک با دیدگاه یک مدیر آکادمیک فاصله بسیاری دارد. بنابراین مجالی برای بروز استعدادها برای نیروی کار این صنایع وجود ندارد. در نهایت شرکت های کوچک و متوسط و کارآفرین وجود دارد. حوزه کارآفرینی در ایران آنقدر با دست انداز و موانع همراه است که بیشتر نخبگان تمایل به مهاجرت دارند و عطای کارآفرینی در کشور را به لقای آن می بخشند.



۶- نتیجه‌گیری

در مجموع می‌توان اینگونه استنباط کرد که تقویت رابطه صنعت و دانشگاه از عوامل مهم در پیشرفت هر کشور است. این در حالی است که در ایران با وجود توان بالقوه بالا این ارتباط با اندازه کافی وجود ندارد. به عبارت دیگر محیط و بستر لازم برای استعدادهای کشور فراهم نشده و جامعه علمی و صنعتی کشور پژوهشگر محور نیست. از یک سو دانشگاه‌ها مهارت‌های علمی و عملی را به درستی در اختیار دانشجویان قرار نمی‌دهند. از سوی دیگر صاحبان صنایع و مالکان شرکت‌ها نیز روی خوشی به پژوهشگران نشان نمی‌دهند و استقبالی از آنها نمی‌شود. به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر با توجه به اینکه دانشگاه‌ها تبدیل به بنگاه‌های تجاری و اقتصادی بزرگی شده‌اند این شکاف گسترش بیشتری نیز پیدا کند.

منبع: حبیبی، آر.ش. (۱۴۰۰) رابطه صنعت و دانشگاه. نشر الکترونیک پایگاه پارس‌مدیر.